

# TREASURE HUNT VENTURE 3





# TREASURE HUNT VENTURE 3

برای ماجرا زندگی‌ت آماده باش!



تا حال رویای درمورد گنج غرق شده داشتی؟ تصور کن که در لب ساحل در حال آب بازی هستی. یک چیز درخشان رامیبینی، میگیری می بینی که سکه واقعی نیست. اما تبدیل میشود به ۱۰,۰۰۰ سکه طلا قدیمی. بیشتر میبینی که ۲۰,۰۰۰ سکه دیگر هم است. چی خوب است اگر واقعی باشند. خوب، این اتفاق در سال ۲۰۱۵ در اسرائیل رخ داد.

اما این تنها یکی از گنجینه های غرق شده موجود میباشد. دراین



## تحقیق ۱. روزی کسی را بساز



### حلقه



آب چیزیست که هر روز آن را لمس می‌کنید، اما گاهی خطرناک هم است. می‌تواند یکی از خطرناک‌ترین چیزهای در جهان باشد. آیا تا به حال در سیل بودی؟ این وحشتناک است!

یک داستان بسیار مشهور در مورد یک بچه وجود دارد که شهری را از سیل نجات داد. نامش «بچه کوچک هالندی» است. یک روز این بچه درهالند به تهایی در اطراف دیوار بند آب دریا قدم می‌زد. دیوارها بندآب بسیار مهم هستند که می‌توانند شهرهای هالند را از سیل و فروکش دریا نجات بدهند.

وقتی که این پسر در حال قدم زدن بود صدای زنگ خطر را شنید، صدای چک چک آب. نزدیکتر نگاه کرد و بعد دید - یک سوراخ خورد در بندآب باز شده بود

اواخر سن جاس گالیون در یک جایی در سواحل کلمبیا کشف شده است که میلیاردها ارزش دارد، و اشخاصی که می‌دانند کجاست، این راز را پنهان کرده و هنوز بر سر اینکه چی کسی آن را به دست آورد جنگ می‌کنند. بنابراین، یک ثروت شگفت‌انگیز در انتظار نشسته است! اما بزرگترین گنج غرق شده تاکنون جایی در سواحل کوریا است. گمان می‌رود یک کشتی روسی که در جریان جنگ با جاپانی‌ها غرق شده

بود، ۵،۵۰۰ بکس

طلا به ارزش ۱۳۳

میلیارد دالر داشت

در انتظارنشسته.

خوب، حالا همه ما

می‌خواهیم کاوشگر

اقیانوس شویم،

درست؟



اما هنوز مانده تا ما بزرگترین گنج که خدا برای ما دارد را کشف کنیم، گنج همیشگی که هیچ وقت گم نمی‌شود. بیاید آماده شویم تا به عمق آن برویم.

### توت فرنگی



آیا می فهمید که وزن تمام ویبسایت جهانی فقط به اندازه یک توت زمینی است بله، اینترنت، که در همه جای دنیا وجود دارد، و دیده میشود که همه از آن استفاده می کنند، برابر است با یک لقمه توت زمینی. چیزی بسیار خورد و در عین حال بسیار کلان!

شاید ما خورد هستیم و کارهایی که انجام می دهیم خورد به نظر می رسند، اما چه کسی می داند، ممکن است خدا از ما برای چیزی بسیار کلانتر از آنچه تا به حال فکر می کردیم استفاده کند.

خداوند به تو این فرصت را داده که هر روز تغییر ایجاد کنی. درست! امروز می توانی روزی کسی را بسازید! و اگر به آنها دلیل برای شادی و بهتر شدن روزشان بدهید، شاید آنها هم این کار را برای شخص دیگری انجام بکن. و اگر این روند ادامه پیدا کند، مردم در سراسر جهان تغییر می کنند!

این مانند صف مهره ها دومینو است - یک نفر روند را شروع می کند و صدها یا هزاران مهره از سوراخ می گذرد. یک کار خوب انجام دهید، و چه کسی می داند، ممکن است دنیا تغییر کند!

این دقیقاً همان چیزی است که در کتاب مقدس اتفاق افتاده است. چیزهای وحشتناک تغییر کردند - بیش از یک میلیون نفر از بردگی آزاد شدند. تشکری ویژه، فقط از یک دختر (مریم)

این بچه می فهمید که اگر آب از سوراخ بگذرد، فوران میکند. و به زودی دیوار سوراخ شده و آب خروشان به همه خانه ها آمده همه چیز را نابود می کند. حتی ممکن است مردم بمیرند. شما چیکار میکنید؟

خوب، این بچه وقت را تلف نکرد او پایین آمد و سوراخ را با انگشتش گرفت. بعدا امیدوار بود کسی برای کمک بیاید. اما کسی نیامد. زنگ زد و تا جایی که می توانست چیغ زد اما کسی نزدیکش نبود.

بعدا آسمان تاریکتر و تاریکتر شد و شب سیاه از راه رسید. هنوز کسی نیامد. اما او کار خود را ترک نمی کرد و اقیانوس را به تنهایی نگه داشت. هوا سرد شد، تنهایی، ترس، و سپس بی حوصله و خسته شد. بلاخره شب طولانی به پایان رسید، صبح شد، و او پیدا شد! مهمتر از همه، دیوار همچنان استوار بود. اقیانوس بزرگ توسط یک بچه نگه داشته شده بود. مردان شهر برای تعمیر سوراخ جمع شدند.

پس فکر می کنید مردم شهر در مورد بچه ی که آنها را نجات داد چه فکر کردند؟ درست، او یک قهرمان بود. تنها بچه ی که شهرش را نجات داده بود. حالا این دلیلی برای لبخند زدن است!

چیزهای خورد می توانند چیزهای بزرگ را نجات دهند. چیزهای کوچک می توانند دنیا را تغییر دهند.

و آنها با قیر پوشاند و طفل را در آن گذاشت. بعد آنها در بین نزار در کنار دریای نیل رها کرد. خواهر طفل، کمی دورتر ایستاده بود تا ببیند چه اتفاقی برای طفل رخ می دهد. دختر فرعون برای غسل به دریای نیل آمد. وقتی کنیزانش در کنار دریا قدم می زدند او نگری را در بین نزار دید. پس یکی از کنیزان خود را فرستاد تا نگری را بیاورد. وقتی نگری را باز کرد طفلی را در آن دید که گریه می کرد. دختر فرعون دلش به حال طفل سوخت و گفت: «این کودک باید متعلق به عبرانیان باشد.» پس خواهر طفل آمد و گفت: «می خواهید بروم و زنی شیرده را از زنان عبرانیان بیاورم تا به طفل شیر بدهد؟» دختر فرعون گفت: «برو.» دختر رفت و مادر طفل را آورد. دختر فرعون به آن زن گفت: «این کودک را بر و برای من از او پرستاری کن. من برای این کار تو مزد خواهم داد.» پس آن زن کودک را به خانه بُرد و به پرورش او پرداخت. کودک بزرگ شد. آن زن او را نزد دختر فرعون آورد. دختر فرعون او را به فرزندی خود قبول کرد و گفت: «این پسر را از آب گرفتم.» پس اسم او را موسی گذاشت.

همه اینها چگونه اتفاق افتاد: دوران کودکی وحشتناک و خطرناکی بود. اوضاع به اندازه ی بد بود که پادشاه مصر (فرعون) همه بنی اسرائیل را مجبور کرد که برده شوند. آنها هر روز رنج های زیادی را متحمل شدند و مجبور بودند با سختی و مشقت بدون دستمزد کار کنند. حتی بسیاری مُردند. و بعد فرعون شروع به کشتن بچه ها شیرخوار بنی اسرائیل کرد. هزاران کودک شیرخوار کشته شدند.

اما در آن زمان خطرناک، دختری به نام مریم بود. نام او در اصل به معنای "تلخی" است، زیرا او زمانی مشقت بار به دنیا آمده بود. مریم فقط هشت سال داشت که برادرش موسی تولد شد. البته، مریم نمیخواست ببیند که برادر نوزادش با شمشیر سربازان کشته شود یا در دریای نیل برای تمساح ها انداخته شود، بنابراین او را نجات داد. بیاید در کتاب مقدس در مورد آنچه اتفاق افتاده است بخوانیم.



کتاب خروج ۲:۱۰

در همین زمان مردی از قبیله لوی با زنی که از همان قبیله بود ازدواج کرد. آن زن پسری بدنیا آورد. وقتی آن زن دید که نوزادش خیلی زیباست، مدت سه ماه او را پنهان کرد. اما چون نتوانست زیادتر او را پنهان کند، یک نگری را که از نی ساخته شده بود گرفت



۱ مریم چی کرد؟

۲ اگر مریم این کار را نمیکرد برایش چی اتفاق می افتد؟

۳ میفهمید که موسی برادر مریم بعداً چی شد؟

سال ها بعد، خداوند از موسی برای شکست دادن فرعون پادشاه مصر) که با او مانند خدا رفتار می شد) استفاده کرد. موسی تمام بنی اسرائیل را از بردگی آزاد کرد و به سرزمین موعود آورد. موسی همچنان نویسنده پنج کتاب اول کتاب مقدس شد. (آیا می توانید پنج کتاب را نام بگردید؟)

واو، خدا از موسی استفاده کرد تا تمام قوم خود را آزاد کند! اما به یاد داشته باشید، هیچ یک از اینها بدون خواهر موسی (مریم) اتفاق نمی افتاد. مریم از برادرش مراقبت کرد. مریم با کمک به مادرش و مراقبت از برادرش مایه خیر و برکت برای خانواده و تمام کشورش شد. به خاطر مریم میلیون ها لب میخندد!

مهم نیست کی هستید، می توانید زندگی را تغییر دهید و لبخند به ارمغان بیاورید! خدا این را می داند این بخش از نقشه اوست- و بنابراین در کتاب مقدس به ما دستور می دهد:



کتاب فیلیپیان ۲:۴  
به نفع دیگران فکر کنید و تنها در فکر خود نباشید.



۴ این آیه به ما می گوید ما چه باید کرد؟



۵ زمانی را فکر کن که کسی خیر شما را بهتر از خود بخواهد. آنها چه کرده اند؟

۶ به شما چی احساس میدهد؟

چگونه می توانی به لبخند زدن دیگران کمک کنی؟ این بسیار ساده است، در حقیقت حالا، دعوت کردن یک مورچه خوار برای نان شب ساده نیست، زیرا آنها در یک روز ۳۰،۰۰۰ مورچه می خورند، و سخت تر از آن : دعوت از بزرگترین حیوانی که تا به حال زنده مانده، نهنگ



۱۰ چه چیز ممکن است باعث لبخند دوستان تان شود؟

از پدر و مادر خود می‌توانید اطاعت کنید، احترام بگذارید، کمک کنید و از آنها تشکر کنید. از اطفال تعریف کنید، باور کنید و آنها را ببخشید.

اما صبر کن. آیا تا به حال احساس کردی که به جای لبخند زدن ترجیح بقی کسی را بدبخت کنی؟ حتی زمانیکه می‌خواهیم از گفته‌های خدا اطاعت کنیم و دیگران را تشویق کنیم، صادقانه باید گفت که- بعضی وقت‌ها حوصله این کار را نداریم. گاهی ترجیح می‌تیم مردم را دلسرد بسازیم. بعضی اوقات فقط می‌خواهیم در فکر کار خود باشیم.

شاید مریم هم آن روزها حوصله اطاعت از مادر و مراقبت برادر کوچکش را نداشت. شاید او ترجیح میداد با دوستش بازی کند.

بنابراین، وقتی نمی‌خواهید دیگران را تشویق کنید، چه کار میتانی انجام بقی؟

ابتدا در مورد احساسات خود صادق باش و به خدا بگو چه احساسی داری. سپس تصمیم بگیر که از خدا اطاعت کنی و دیگران را تشویق کنی، خواه ناخواه. در نهایت: از خدا بخواه که چشمان خود را برای تو که دیگران را ببینی بدهد. بسیار خوب، دعا کن: "خدایا، می‌خواهم آن شخص را همان قسم که تو میبینی ببینم. بگذار از دید تو نگاه

آبی، به نان شب چطور؟ نهنگ‌های آبی بزرگتر از دایناسورها هستند، وزن زبان آنها به اندازه یک فیل است و روزانه ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ کیلو می‌خورند! پس سیر کردن و شاد کردن مورچه خوار یا نهنگ کاری ساده نیست. اما به سادگی میشود روی اشخاص دیگر تمرکز کرد و آنها را شاد کرد. شما می‌توانید مردمان دورو بر خود را هر روز بخندانید!

آیا راهی وجود دارد تا آدم بفهمه که چطور مردم را شاد بسازد؟ بلی، عیسی رمز و راز شاد بودن را برای ما داده است.



متی ۷:۱۲

با دیگران همانطور رفتار کنید که میخواهید آن‌ها با شما رفتار کنند.



۷ دوست دارید دیگران برای شما چی چیزها را انجام بدهند؟

۸ چی چیزی میتواند پدر و مادرت را خوشحال بسازد؟

۹ چی چیزهایی باعث لبخند برادران یا خواهران شما شود؟

## کلید جوابات



- ۱ به مادرش کمک کرد و به جای خوبی خودش به خوبی برادرش فکر میکرد.
- ۲ به احتمال زیاد موسی باید میمرد، یا شاید هم هرگز خانواده اش او را نمیدید.
- ۳ او شهزاده مصر شد و سپس تمام بنی اسرائیل را از بردگی آزاد کرد و قوم آنها را به سرزمین موعود هدایت کرد.
- ۴ به خوبی دیگران فکر کرد.
- ۵ جواب خود را بدهید.
- ۶ جواب خود را بدهید.
- ۷ چیزهای تشویق کننده بگویید برایم دعا کنید. کمکم کنید. با من شریک بسازید. برایم تحفه بدهید.
- ۸ اطاعت، احترام، کمک و تشکر کنید.
- ۹ آنها را توصیف تشویق و باور کنید. برای شان مهربانی کنید.
- ۱۰ آنها را توصیف، تشویق و باور کنید. برای شان مهربانی کنید.

کنم. "بعد از این که این دعا را بخوانی، آن شخص را متفاوت می بینی. آن وقت بسیار راحت تر خواهد بود که بخواهیم آنها را بخندانیم. و بخش جالب اینجاست: نه تنها آنها شادتر می شوند، بلکه شما هم دلیل شادی خواهی بود.

می فهمید، وقتی که به خوبی دیگران تمرکز کنیم، مثل اینست که یک یک پراز چپس، چاکلیت یا شیرینی ها ژیلی با دیگران تقسیم میکنید. یک هیچ وقت خالی نمی شود، ما می توانیم همیشه ببخشیم، و بیشتر هم خواهد شد! هیچ مانع وجود نخواهد داشت. و به یقین از آسمان هم لبخند خواهد آمد..

### حفظ آیه فیلیپیان ۲:۴

هیچ یک از شما نباید فقط به فکر خوبی خود باشد. هرکدام از شما باید به خوبی دیگران فکر کنید

بباید با هم دنیا را شادتر بسازیم.





## اما درباره زورگوها(قلدری) چطور

آیا می فهمید که در بعضی از موارد از هر ۴ کودک ۳ کودک مورد آزار و زورگویی قرار می گیرند؟ زورگوها برای همه بد هستند. زورگوها میخواهند زندگی شما را بدتر کنند. آنها به جای اینکه لبخند بزنند، از رنج بردن دیگران لذت می برند و به خاطر آن احساس قدرت می کنند. سه نوع زورگو وجود دارد: زورگوهای لفظی، شما را با کلمات بد صدا می زنند، گپ های بی ادبی می گویند، یا پیام های ظالمانه می فرستند: زورگوهای اجتماعی شایعه پخش میکنند. الفاظ رکیک می گویند و یا تلاش می کنند شما را محروم ساخته نادیده بگیرند. و زورگوهای جسمانی شما را پشت پا میکنند، ضربه می زنند، تف می کنند و تهدید می کنند که به شما صدمه می زنند. زورگویی رفتاری رقت انگیز است مجاز نیست. بنابراین، چه باید کرد تا حد امکان از زورگوها خودداری شود؟

### این چنین بر خورد کن

- ۱ از آنها دوری کنید، فرصت ندهید. به پیش نگاه کرده و درمان ترین جای ها بمانید. این ساده ترین جواب است. فراموش نکنید، آنها به دنبال راه هایی برای گوشه گیری شما به تنهایی هستند.
- ۲ به خود احساس خوب داشته باشید. آنچه خدا در مورد شما می گوید را باور کنید. شما دوست داشتنی هستید، شما فرزند پادشاه هستید. خدا با شماست. ضرورت به ترس نیست. وقتی اعتماد به نفس داشته باشید - وقتی در هویت واقعی خود شجاع باشید - یک پیام "با من درگیر نشو؛ را نشر

خواهی کرد. زورگو قوت خود را از دست میدهد

- ۳ زورگوها را اهمیت نتین وقسمی نشان بتین که به آنها گوش نمی کنید. ویرایشان توجه ندارید.

### این کارها را نکن!

- ۱ یک مرغابی نشسته، تنها و آسیب پذیر نباش. همراه دوستان باش. برنامه ای جنگ را داشته باش. زورگو ها خوش دارند کودک ها را در گوشه ها شکار کنند. آنها از رقابت کردن با گروه ها خود داری میکنند. خصوصا وقتی که یک ادم کلان در او گروه باشد. حتماً به نصیحت یک ادم کلان گوش کن!
  - ۲ احساسات نشان ننی نا امیدی و ترس را نشان ننی. این فقط زورگو هارا پاداش و هیجان میدهد. و در یک آینه نی گفتی را تمرین کن.
  - ۳ کوشش نکن که با زورگو ها مبارزه کنی. تا وقتی که کمربند سیاه در جودو یا کشتی نداشته باشی. مبارزه کردن با قلدرها معمولا یک بهانه و هیجان را برایشان میدهد که بتواند تورا خوب بزنند.
- " و در آخر، حتماً از خدا بخواه که به تو کمک کند. از خدا بخواه که تورا شجاع کند و حتی از خدا بخواه که زورگوها را ببخشد و آزاد کند. زورگوها دلایل بازی های رقت انگیز دشمن واقعی (شیطان) هستند که از آنها برای پایین آوردن شما استفاده می کنند

## تحقیق ۲. زمان مبارزه



تا حال در یک مبارزه بودی؟ نه، نه آن قسم مبارزه که کنترل بازی در دست، پیش یک صفحه نشستید. البته، مبارزات مجازی عالی هستند، اما ما در مورد یک مبارزه واقعی صحبت می کنیم. مبارزه با دست خالی چطور؟

کلمه "کاراته" به معنای "دست خالی" است. بدون شمشیر ماهر، بدون چکش، بدون کنترل!

جک کودک کاراته بازدرانگلستان زندگی میکند. و جوانترین شخص با کمر بند سیاه است. او کمر بند سیاه را وقتی گرفت که سه سال داشت و اندازه قدش ۹۱ سانتی بود!! اما خوب است باور کنید، حتی آن زمان هم نمی خواستید با او درگیر شوید. جک فقط در مبارزات کاراته جنگ نمی کند. او همچنین در حال مبارزه با بیماری و درد است.

دلیل اینکه جک کاراته را شروع کرد، آرتروز بود، یعنی درد در استخوان. کاراته به حرکت بدنی او کمک کرد تا ذهنش را از درد دور کرد. گاهی آنقدر دردناک بود که مجبور به مصرف دوا می شد. اما بعد، جک واقعا خوب شد و شروع به بردن جایزه ها در انگلستان و سراسر جهان کرد!

آیا می دانید که هر روز در یک مبارزه هستید؟ یک مبارزه واقعی! اما قبل از اینکه به نوع مبارزه نگاه کنیم، بیایید به یکی از بزرگترین مبارزه های تمام دوران فکر کنیم. در کتاب مقدس آمده مبارزه بچه ی که با یک گول روبرو میشد.

شاید قصه ی داوود و جالوت را شنیده باشید. شاید هم نه، که آن مبارزه واقعا چقدر عالی بود. آن مبارزه شما را در حیرت خواهد انداخت، بیایید ببینیم در مورد داوود و جالوت چه می فهمیم.

اگر ممکن باشد، میتوانید تمام داستان را در سموتیل ۱ بخوانید.



اما چیزی که رخ داد اینجاست یک گول در دل هر مردی در اسرائیل وحشت ایجاد کرد او ۳ متر قد داشت و عضلات سخت که زره فلزی به وزن ۱۳۰ پوند (۶۰ کیلوگرم)



سنکی را در ریسمان خود  
گذاشته، آن را چرخاند و دور  
داده، دور داده رها کرد، سنگ  
پرواز کنان از آسمان آمده در  
سربزرگ جالوت اصابت کرد.  
غول رو به زمین افتید. داوود  
وقت تلف نکرد و شمشیر خود  
جالوت را گرفت و سر بزرگ او  
را از تن جدا کرد!

وقتی لشکر جالوت دیدند که چه بر سر قهرمان آمده است، بدون  
شک می دانستند که خدا در حال جنگ است، زیرا تنها جنگ خداست  
که میتواند یک پسر بدون هیچ سلاح گول جنگجو را از پا بیندازد.  
بنابراین، لشکر برای حفظ جان شان فرار کردن. سپس لشکر اسرائیل  
متوجه شد که خدا با آنهاست. آنها کاری نکرده بودند، اما دشمن شان  
می دويد، آنها را تعقیب کردند و کشتند.

پروزی آن روز عالی بود. همه بزرگی خدا را دیدند، دشمن شکست  
خورد، و همه اینها به این دلیل بود که یک پسر تنها خدایش را بزرگتر  
از هر دشمن یا هر مبارزه ای می دانست.

می پوشید. او یک تیر بزرگی با خود داشت که می توانست با یک  
انداختن یک گروه از مردان را به سیخ بکشد. نام او جالوت بود. او  
یک مخزن از وحشت خدا بود.

جالوت هر روز خودخواهانه به خود می بالید که چقدر قوی است و  
اسرائیل و خدای آنها چقدر تاسف آور بود. و لشکر اسرائیل مانند یک  
دسته خرگوش های ترسیده می دويدند. همه به جز یک جنگجو  
اسرائیل به نام داوود بود، که ترسی نداشت.

داوود در واقع بچه ی یک چوپان بود. که از یک گله کوچک گوسفند  
نگهداری می کرد. تا حالا، داوود هرگز از تیر استفاده نکرده بود، شمشیر  
نگرفته بود، یا تجربه جنگ را نداشت، اما کاری بسیار عجیبی انجام  
داده . داوود با دستان خود یک شیر و یک خرس را به زمین زده بود.  
آیا این را شنیدی؟ شیروخرس!

در این صورت، جالوت دشمنی بزرگتر از شیر خرس بود. جالوت  
سلاح پیشرفته با خود داشت. جالوت سالها هر کسی را در راه خود  
سر می برید. در همین حال، تنها سلاحی که داوود در اختیار داشت،  
یک زنجیر چوپان بود، چندان کمکی نمی کرد در حالیکه جالوت کلاه  
زرهی بر سر داشت، اما داوود بالا رفت به مقابل جالوت. به هر حال  
با جالوت روبرو شد با چانس اندک برای پیرو شدن. وقتی جالوت  
داوود را دید، عصبانی شد! کاملا عصبانی بود که کلاه خود را به زمین  
انداخت. بعد داوود چانس خود را دید و به سمت جالوت دويد،



۱ داوود کی بود؟

۲ جالوت کی بود؟

۳ چرا جنگ شد؟

۴ آیا این یک مبارزه عادلانه بود؟

۵ چه اتفاقی افتاد؟

به یاد داشته باشید، شاید غول ها، تمام یک ملت را به وحشت بیندازد، اما با خدا یک کودک می تواند یک غول را از پا بیندازد.

حالا به یاد داشته باش که گفتیم همه ما در یک مبارزه هستیم و به این دلیل که شیطان ما را دوست ندارد. ما از آن خدا هستیم و شیطان از خدا نفرت دارد، بناً می خواهد ما را دلسرد، تخریب و نابود کند. شیطان می خواهد آرزوهای خوب خدا را برای ما از بین ببرد. تمام تلاش خود را میکند. هرچند ما نمی توانیم شیطان را ببینیم، اما او بسیار واقعی است.

شیطان از کجا آمد؟ در واقع، نام قبلی اولوسیفر بود، و او یکی از بزرگترین فرشتگان در تمام بهشت بود. به طرز غم انگیزی، لوسیفر مغرور شد و می

خواست بزرگتر از خدا باشد. یک دسته دیگر از فرشتگان به دنبال لوسیفر رفتند و همه آنها از بهشت بیرون رانده شده. از فرشته بودن خارج شدند، در غیر آن به عنوان شیاطین شناخته شدند. بعداً شیطان پدرکلان ومادرکلان ما، آدم و حوا را فریب داد و کنترل دنیای ما را به دست گرفت. و اکنون، شیطان و شیاطین او می خواهند نقشه های خدا را در روی زمین از بین ببرند، و آنها برای نگهداشتن این کنترل مبارزه خواهند کرد.

به هر حال، تا حال شده از رعد و برق ترسیده باشی؟ میدانستید که صاعقه همیشه به زمین برخورد می کند؟ صاعقه در هر ثانیه ۱۰۰ بار به ستاره ما برخورد می کند. رعد و برق در همه جا است. و در مورد شهاب سنگ چطور؟ می فهمید، سنگ هایی که از فضا به زمین می آیند. آیا تا به حال فکر کردید که شاید یکی از سنگ ها بر پشت بام بیفتد یا خیر؟ در واقع، هر روز ۷۰ شهاب سنگ به زمین برخورد می کنند. با رعد و برق و شهاب سنگ ها، زندگی در اینجا کمی ترسناک است، اما نیاز نیست که نگران باشیم. هیچ چیز بدون برنامه خدا اتفاق نمی افتد.

و مانند رعد و برق و شهاب سنگ، شیاطین در سراسر این مکان هستند یا می توانند شیاطین را مانند میکروب ها فکر کنید. اگر ما بی توجهی کنیم میکروبها به ما آسیب می رساند اما اگر متوجه باشیم همه چیز خوب خواهد بود. نیازی به تشویش نداریم، به جای تشویش می توانیم مانند داوود جسور باشیم. ما جسور هستیم زیرا عیسی با ما همراه است

ببینید این آیات دینامیتی در مورد عیسی چه می گویند





کتاب کولسیان ۱۷-۱۵  
**مسیح صورت و مظهر خدای نادیده**  
 است، نخست زاده و برتر از همه

مخلوقات. زیرا به وسیله او هر آنچه در آسمان و زمین است، دیدنی ها و نادیدنی ها، تخت ها، پادشاهان، حکمرانان و صاحبان قدرت آفریده شدند، بلی، تمام موجودات به وسیله او و برای او آفریده شدند. او قبل از همه چیز وجود داشت و همه چیز به وسیله او با هم ارتباط پیدا می کند.



۶ چند بار به کلمات "همه چیز" و "هر چیز دیدید؟

۷ عیسی چه ساخت؟

۸ همه چیز برای چه آفریده شده است؟

۹ چه چیزهایی در کنترل عیسی است؟

به یاد داشته باشید، شاید غول ها، تمام یک ملت را به وحشت بیندازد، اما با خدا یک کودک می تواند یک غول را از پا بیندازد.

بدون شک- عیسی بر همه چیز تواناست. حالا یک چیز بسیار خوب وجود دارد وقتی ما به عیسی تعلق داریم، وقتی او در ما زندگی کند، ما قدرت او را داریم. قدرت چیست؟ داشتن توانایی برای تشویق بعضی کارها. میفهمید که در عالم ارواح سطوحی از قدرت وجود دارد؟ عیسی در بالاست و ما آنجا با او هستیم. شیاطین بسیار پایین تر هستند. بنابراین، فکر شیطانی که ما را بزور به انجام کاری می کنند دروغ است. این مانند خرگوش هایی است که تلاش می کنند اطراف شیرها بچرخند. ما شیرها هستیم و یاوران شیطان خرگوشهای کوچک. آنها نمی خواهند ما بفهمیم که شیرهستیم. آنها خرگوش های خورده دروغگو هستند که از ما میخواهند فکر کنیم آنها بزرگتر و قوی تر از ما هستند؛ دیوانه کننده است. درست؟

۱۰- به این عکس نگاه کنید. آیا متوجه مشکلی در آن شدید؟ چیست؟



این کشتی بازو، مانند یک مسابقه معلوم میشود. اما عیسی تمام قدرت و اختیار را دارد شیطان قبلا باخته است به هر حال

شیطان از تو میخواهد این عکس مسخره را باور کنی. باور نکن به جایش چرا نباید به این عکس خنده آور بخندیم. خوب بخند.



فرض کن، این هفته یک شمشیر بر پشت بسته داری. آن شمشیر در حقیقت کلام خداست.

شیطان نمی خواهد بداند که شمشیر دارید. او نمی خواهد بفهمد که عیسی با شماست و عیسی استاد همه چیز است. شیطان نمی خواهد که شما دورو تاب دادن شمشیر را تمرین کنید.

بنابراین، این هفته، هر روز، کولسیان ۱۵:۱-۱۷ را بیرون بکشید (مثل بیرون کشیدن شمشیر است) و کلمات را تکرار کنید تا به یاد بیاری که عیسی کیست.

به یاد داشته باش که عیسی همه چیز را کنترل میکند. عیسی یکتاست. عیسی با شماست نباید ترس داشته باشی. مانند داوود شما می توانید با خدا به سمت هر چیزی بدوید

### حفظ آیه کولسیان ۱۷-۱۵

مسیح صورت و مظهر خدای نادیده است، نخست زاده و برتر از همه مخلوقات. زیرا به وسیله او هر آنچه در آسمان و زمین است،

دیدنی ها و نادیدنی ها، تخت ها، پادشاهان، حکمرانان و صاحبان قدرت آفریده شدند، بلی، تمام موجودات به وسیله او و برای او آفریده شدند. او قبل از همه چیز وجود داشت و همه چیز به وسیله او با هم ارتباط پیدا می کند.

### کلید جوابات

- ۱ داوود پسر جوان و چوپان بود. او به خدا ایمان آورد و مخالفان وحشی را شکست داد
- ۲ جالوت غول و دشمن اسرائیل بود. آدم خودخواه و از خدا متنفر. او جنگجوی بود که تمام لشکر اسرائیل را به وحشت انداخت.
- ۳ جالوت می خواست جنگ کند و می خواست بر اسرائیل کنترل کامل داشته باشد.
- ۴ از نظر انسانی، این عادلانه نبود-به خیر جالوت بود. از نظر آسمانی، این عادلانه نبود طبعاً به نفع داوود بود.
- ۵ جالوت سر خود را از دست داد. لشکر دشمن سر بریده شد. همه ایمان داوود و قدرت خدا را دیدند.

## تحقیق ۳ فقط بهشت یا دوزخ



### حلقه



از چی ترسیده ای؟ از مارها؟ جولاگک (عنکبوت ها)؟ جگروپیاز؟ عملاً همه مردم از چیزی میترسند، اما استرالیایی ها باید واقعا شجاع باشند! استرالیای خانه مرگبارترین موجودات دنیاست. بطور مثال، مارها. سه نوع مار زهری

جهان در استرالیای زندگی می کنند. (و بعد اینکه، حتی کرم های استرالیایی نیز می توانند به اندازه مارها بزرگ شوند. کرم هایی که تا ۳ متر طول دارند و به ضخامت یک قوطی پپسی می رسند!) بسیار خوب، مارها (و کرم ها) می توانند ترسناک باشند، اما در مورد جولاگک (عنکبوت ها) چطور؟ مردم کمبودی هم باید بسیار شجاع باشند. دیده میشود که آنها از عنکبوت ها نمی ترسند. در کامبودیا، عنکبوت های بزرگ و مودار مورد علاقه هستند. هیق! 😊 خدا را شکر که چیپس در مابقی دنیا.

اگر از عنکبوت ها می ترسید، خبر بدی است: عنکبوت ها در همه جا به جز انزکتیکا زندگی می کنند، اما وقتی صحبت از عنکبوت میشود، برازیل مزاحم زیاد دارد. عنکبوت کیله ای برازیلی ازکشنده ترین عنکبوت

۶ شش بار

۷ همه چیز و هر چیز. که تقریباً همه چی را زیر پوشش قرار دهید.

۸ آفریده شده توسط او و برای او.

۹ نه تنها همه چیز زیر کنترل است، او در واقع همه چیز را با هم نگه می دارد!

۱۰ به نظر می رسد درعکس مسابقه ۵۰۱۵۰ بین عیسی و شیطان است، قسمی دیده میشود که هر دو می توانند برنده شوند. اما آیه کولسیان ۱۷-۱۵ او بعضی جاها کتاب مقدس، دروغ بودن آن را ثابت می کند.

یادداشت

تا آخر با تو  
خواهم بود.



های جهان است. به اندازه دست است و گاهی درخوشه ها کيله آویزان میشوند. و باید گفت که یک خانواده در لندن مجبور شدند خانه خود را تخلیه کنند زیرا یک کیسه تخم عنکبوت کيله ی (در بعضی از کيله های که خریده بودند) از تخم پیرون آمد و چوچه عنکبوت ها به کل خانه آنها حمله کردند!

خانه ای پر از عنکبوت های بسیار زهردار؟ مانند یک فیلم وحشتناک است! اما در مقایسه با جای که عیسی درباره آن صحبت کرد، حتی کمی ترسناک نیست

متی ۲۵: ۳۱-۴۴



وقتی پسرانسان با جلال خود همراه با همه فرشتگان می آید، بر تخت

پادشاهی خود خواهد نشست. و تمام ملت های روی زمین در حضور او جمع می شوند. آنگاه او مانند چوپانی که گوسفندان را از بزها جدا می کند، آدمیان را به دو دسته تقسیم خواهد کرد. گوسفندان را در دسته راست و بزها را در دسته چپ خود قرار خواهد داد.

آنگاه پادشاه به آنها می گوید که در سمت راست او هستند خواهد گفت: «ای کسانی که از جانب پدر من برکت یافته اید! بیایید و وارث سلطنتی

شوید که از ابتدای آفرینش عالم برای شما آماده شده است. چون وقتی گرسنه بودم به من خوراک دادید، وقتی تشنه بودم به من آب دادید، هنگامی که مسافر بودم مرا به خانه خود بردید، وقتی عریان بودم مرا پوشانیدید، وقتی بیمار بودم به عیادت من آمدید و وقتی

که در زندان بودم از من دیدن کردید.» آنگاه نیکان جواب خواهند داد: «ای خداوند چه وقت تو را گرسنه دیدیم که به تو خوراک داده باشیم و یا چه موقع تو را تشنه دیدیم که به تو آب داده باشیم؟ چه زمان مسافر بودی که تو را به خانه بردیم یا برهنه بودی که تو را پوشانیدیم؟ چه وقت تو را بیمار یا محبوس دیدیم که به دیدنت آمدیم؟» پادشاه در جواب خواهد گفت: «بدانید آنچه به یکی از خوردترین برادران من کردید، به من کردید.» آنگاه به آنها می گوید که در سمت چپ او هستند خواهد گفت: «ای لعنت شدگان، از من دور شوید و به آتش ابدی که برای شیطان و فرشتگان او آماده شده است بروید، زیرا وقتی گرسنه بودم به من خوراک ندادید، وقتی تشنه بودم به من آب ندادید، وقتی مسافر بودم به من منزل ندادید، وقتی برهنه بودم مرا پوشانیدید و وقتی بیمار و محبوس بودم به عیادت من نیامدید.» آنها نیز جواب خواهند داد: «چه موقع تو را گرسنه یا تشنه یا مسافر یا عریان یا بیمار یا محبوس دیدیم و کاری برایت نکردیم؟» او جواب خواهد داد: «بدانید آنچه به یکی از این کوچکان نکردید، در واقع به من نکردید» و آنها به جزای ابدی خواهند رسید، ولی عادلان به زندگی ابدی داخل خواهند شد.»



۱ در آخر این دنیا، عیسی همه مردم را به دو دسته تقسیم می کند. چی، دو دسته؟



۲ هر دسته به کجا می رود؟

هیچ کس دوست ندارد در مورد دوزخ فکر کند یا در مورد دوزخ صحبت کند، اما عیسی در مورد آن بسیار صحبت می کند. دوزخ چی قسم جای است؟ خوب، در کتاب متی، داستان اینکه دوزخ چی قسم جای است. عیسی شش بارتوضیح داده در هر شش بار از یک لغت استفاده کرده است. مردم اینجا خواهد بود.

متی ۸:۱۲



جای که گریه و دندان برهم ساییدن است.

- متی ۱۳:۴۲ جای که گریه و دندان برهم ساییدن است
- متی ۱۳:۵۰ جای که گریه و دندان برهم ساییدن است
- متی ۲۲:۱۳ جای که گریه و دندان برهم ساییدن است
- متی ۲۴:۵۱ جای که گریه و دندان برهم ساییدن است
- متی ۲۵:۳۰ جای که گریه و دندان برهم ساییدن است



۳ فکر میکنید که مردم چرا در دوزخ گریه کرده و دندان های شان را میجوند؟

و عمق معادن زمین بسیار داغست که اگر به سنگ ها دست بزنی دستت را می سوزانند! حالا، آگه ادامه بتی بسیارگرم ترشده میره. در واقع، اگر سوراخی در زمین وجود داشته باشد و شما به داخل آن بپرید، حدود ۳۸ دقیقه طول می کشد تا به طرف دیگر برسید. هیچ کس آن را امتحان نکرده است زیرا چنین سوراخی وجود ندارد، اما اگر وجود داشت و می پریدید مثل یک پوف سیگرت میسوختن! اعماق زمین آنقدر داغ است که تمام سنگ ها مایع جوشان سفید و داغی هستند!

بنابراین، اگر دوزخ چنین بود، ما فقط می سوختیم، و همه چیز تمام می شد. اما دوزخ ای قسم نیست. دوزخ ادامه دارد و برای همیشه ادامه خواهد داشت. این دردست که هیچ وقت ختم شدنی نیست!

آیا تا حال زنبور نیش زده؟ بسیار سوزناک است، اینطور نیست؟ بسیار درد میکنه حتی بعضی از مردم تنها بر اثر یک یا دو نیش می میرند. خوب، جاهانی از رودزیای آفریقا، نه یکبار، بلکه ۲،۴۴۳ بار نیش زده شد - زنده ماند! او شاید آرزو می کرد که ای کاش میمرد، زیرا باید بسیار دردناک بود. شاید مثل دوزخ باشد، اما دوزخ برای یک روز، یک هفته، یا یک سال دوام نمی آورد، بلکه برای همیشه ادامه دارد!

خدا واقعاً مردم را به دوزخ روان نمیکند. در حقیقت، آنها خود را روان می کنند! در این صورت، خدا را شکر کن که هیچ کس مجبور نیست به دوزخ برود، خدا %۹۹،۹۹۹۹۹۹. از آنچه را که لازم است



همه ما سزاوار رفتن به دوزخ هستیم، اما با عیسی، می توانیم به بهشت برویم! بیایید واقعی باشیم، و نخواهیم کسی به دوزخ برود، که بسیار وحشتناک است. پس، بیایید از خدا بخواهیم که از ما برای نجات مردم استفاده کند.

در تحقیق بعدی، می خواهیم یاد بگیریم که چطور به دیگران کمک کنیم تا نجات پیدا کنند، و این واقعاً آسان است! اما این هفته، از خدا بخواهیم که در قلب افرادی که می شناسیم و عیسی رانمی شناسند کار کند. بیایید دعا کنیم که آنها آماده شنیدن کلام او باشند و تحفه شگفت انگیز که خدا به آنها ارائه می دهد درک کنیم.

الف یک دقیقه به این فکر کن که، به چی کسی می خواهی دعا کنی، تا قلب آنها به روی عیسی باز شود.

نام آنها را بنویس

.....  
.....  
.....

ب حالا بیاید کمی وقت گذاشته برایشان دعا کنیم. از خدا بخواهیم که قلب و ذهن آنها را باز کند.

برای دور نگه داشتن ما از دوزخ و استقبال ما به بهشت انجام داد!

دوزخ چگونه است؟ دوزخ جایی وحشت ازهر هیولا، هر ترس و عذابیست. اکثر مردم این را نمی فهمند، و بناً از خدا می خواهند که آنها را نجات بدهد. شاید دردوزخ مردم گریه کنند زیرا متوجه می شوند هر کاری را که خدا برایشان انجام داده بود از دست دادند و تا ابد پشیمان شوند. و نکته وحشتناک اینست که دقیقاً افراد زیادی به آنجا می روند. اما بیایید به بهشت فکر کنیم.

عیسی گفت که او بهشت را آماده می کند و ما را کاملاً متحیر خواهد ساخت.

یک دقیقه وقت بگذار چشمان خود را ببند. شگفت انگیزترین مکانی را که می توانید تصور کنید. چی میکنی؟ موج های بزرگ آبی را موج سواری میکنی؟ پرواز در میان رنگین کمان و ابرهای مانند مارشمالو؟ اسکی بازی روی کوه های آیسکرم با طعم گیلیاس؟

هر چه که فکرش را بکنی، حتی در حد باور هم نزدیک نیست. خداوند تمام تلاش خود را می کند تا جای عالی و شگفت انگیز بسازد که برای همیشه بای بماند. این دنیا هیچ نزدیکی با بهشت ندارد و بهترینکه عیسی طوری آنجاست که ما هرگز در این دنیا تجربه کنیم. بهشت فقط یک مکان خوب یا حتی یک مکان عالی نیست. بهشت ذهنت را متحیر خواهد کرد! برای همیشه.



، ج هر روز در این هفته، چی اول صبح یا قبل از خوابیا باورکنیم که خدا می‌خواهد آنها را از دوزخ نجات دهد، آنها را تغییر داده و نجاتشان دهد که بتوانند در بهشت شگفت انگیز او باشند

## حفظ آیه حفظ آیه متی ۲۵-۳۳-۳۱

وقتی پسر انسان با جلال خود همراه با همه فرشتگان می‌آید، بر تخت پادشاهی خود خواهد نشست و تمام ملت‌های روی زمین در حضور او جمع می‌شوند. آنگاه او مانند چوپانی که گوسفندان را از بزها جدا می‌کند، آدمیان را به دو گروه تقسیم خواهد کرد. گوسفندان را در دست راست و بزها را در دست چپ خود قرار خواهد داد.

## کلید جوابات

۱ او یک گروه را در دست چپ و یکی را در دست راست قرار می‌دهد. یکی یا دیگری.

۲ یا در آتشی که برای همیشه می‌سوزد، یا در زندگی جاودانی.

۳ باید درد و رنج زیادی داشته باشند.

جای شگفت انگیزی  
برایمان می‌سازم.











بعداً دوست ها!



## تحقیق ۴ از بالا کوه چیغ بزن!



### حلقه



میفهمید که در طول زندگی خود چقدر راه خواهی رفت؟ دور تر از چیزی که فکرش را بکنی! تمام مسافت که راه می روی جمع کنی، به اندازه سه بار دور زمین می شود! وای (امید که، در حال پیام نوشتن با تلفون اینکار را نکنی!) 😊

خوب، رایان تریس ۱۲ ساله از یوتا (آمریکا) کار بسیار عجیبی کرده، نه پیاده روی، بلکه سواری. رایان سوار ماشین چمن زنی شد، نه فقط در اطراف حویلی خانه اش، بلکه تمام راه را از یوتا، در سراسر ایالات متحده - ۳۰۰۰ مایل تا واشنگتن دی سی. او ۴۲ روز مستقیم سوار آن ماشین چمن زنی شد! و رکورد جهانی سوار بر ماشین چمن زنی را شکست. چرا؟ خوب، پدرومادرش گفتند که مشکلی ندارد، و این یک دلیل خوب برای جمع آوری پول کمک برای تداوی یک دخترک در شهر شان بود.



گل ها آفتاب پرست!

شرمندی داشت. عیسی نزدیک چاه نشست و او را دید که در گرمی ظهر می آمد. یهودی او را دید، روح خشکش را که مانند استخوانی روی ریگ های بیابان خشک شده بود. حالا، صحبت کردن عیسی با زن، خلاف قوانین فرهنگ بود. اما عیسی هرگز اجازه نداد قوانین مردم مانع کار خدا شود. عیسی به او گفت: "لطفاً به من آب بقی." و مدتی صحبت کردند. بعداً عیسی به او گفت: "من مسیح هستم." و زن ایمان آورد. او نه تنها باور کرد، بلکه همه چیز را رها کرد و با عجله به شهر خود بازگشت

۲. فکر می کنید چرا عیسی را ترک کرد و با عجله به شهر خود بازگشت؟

بیاید در کتاب مقدس بخوانیم وقتی او به شهرش رفت چه اتفاقی افتاد

یوحینا ۴: ۲۸-۳۰، ۴۲-۳۹



## کتاب

زن کوزه خود را به زمین گذاشت و به شهر رفت و به مردم گفت: «بیاید

و مردی را ببینید، که آنچه تا به حال کرده بودم به من گفت. آیا این مسیح نیست؟» پس مردم از شهر خارج شده پیش عیسی می رفتند.

به خاطر شهادت آن زن که گفته بود: «آنچه تا به حال کرده بودم به من گفت»، در آن شهر عده زیادی از سامریان به عیسی ایمان

در آخر رایان تصمیم گرفت که ماشین چمن زنی را در کاخ سفید ببرد. جایکه رئیس جمهور امریکا زندگی میکند متأسفانه، اجازه نبود. با این حال، رایان پنج هفته مکتب نفت و داستانش را در روزنامه چاپ کرد! شاید مثل رایان یک سفر دور نروید، اما در سه سفر خود به دور زمین، با اشخاص زیادی آشنا خواهی شد و با هرکی ملاقات می کنی این فرصت را داری تا به آنها چیزها خوب بگویی - به آنها بگویی که خدا برای تو چیکاری کرده!

۱. به هرحال، خدا برای شما چه کرده است؟

داستان جالب در بابیل در مورد زنی آمده که با عیسی ملاقات کرد، سپس به خانه بازگشت، یک چیز ساده گفت و شهر خود را به کلی تغییر داد! اگرچه گفتگو او با عیسی طولانی ترین گفتگو در کتاب مقدس است، اما حتی نام او را نمی فهمیم! بیاید او را "بانوی آبی" بگوییم.

و این چیز است که اتفاق افتاد: عیسی یک روز با شاگردان خود در سفر بود و تصمیم گرفت از شهری کوچک با شهرت بد بگذرد. شاگردانش برای خوردن غذا به خیابان اصلی رفتند، اما عیسی در گوشه شهر در یک کناره نشست. به دلیل عجیب، عیسی می فهمید که زن خاصی می آید، و او می خواست با او ملاقات کند، با آنکه زن نمی خواست کسی را ملاقات کند. چرا؟ چون زنی شکسته بود. او نه یک بار، دو بار و حتی سه بار ازدواج کرده و طلاق گرفته بود. پنج بار طلاق گرفت. زندگی او خراب بود و پاشیده شده بود و احساس



اشعیا ۱۲ ۵-۴



از خداوند سپاسگزار باشید و نام او را تجلیل کنید. کارهای او را برای

مردم جهان اعلام نمایید و بگویید که نام او متعال است. سرود حمد خداوند را بسرایید، زیرا کارهای باشکوهی انجام داده است. بگذارید تمام مردم روی زمین بدانند.



۶ این آیه به ما می گوید که کارهای زیادی انجام دهیم.

بدهیم \_\_\_\_\_ بسازیم \_\_\_\_\_ سومین کاری که این آیت به ما میگوید انجام بتی چیست؟

۷ منظور ازملت ها چیست؟

به نظر می رسد این به معنای تمام جهان است، همی قسم نیست؟ ما باید کارهای بزرگی را که خداوند انجام داده است، به همه دنیا، در همه جا مثل (شاهد) بگوییم. بسیاری از مردم! بنابراین، چگونه شروع کنیم؟ واقعا آنقدرها هم سخت نیست. به این فکر کنید: یک بچه در جاپان به نام توشی شروع به رفتن به کلیسای کوچکی در نزدیکی توکیو کرد. دلیل رفتنش این نبود که می خواست خدا را بشناسد، بلکه

آوردند. وقتی سامریان نزد عیسی آمدند از او خواهش کردند که پیش آن ها بماند. پس عیسی دو روز در آنجا ماند و عده زیادی نیز به خاطر سخنان او ایمان آوردند. و به آن زن گفتند: «حالا دیگر به خاطر سخن تو نیست که ما ایمان داریم، زیرا ما خود سخنان او را شنیده ایم و می دانیم که او در حقیقت نجات دهنده عالم است.»



در اینجا چیزی است که ممکن تا حال به آن فکر نکرده باشید. خانم آبی می توانست برای نرفتن به شهرش بهانه های زیادی بیاورد. او یک زن شکست خورده بود. سواد نداشت و به سختی عیسی را ملاقات کرده بود. ولی

۳ خانم آبی چه کرد؟

۴ خانم آبی چه گفت؟

۵ چه اتفاقی افتاد؟

اینکه او میفهمید یا نی، خانم آبی کاری را انجام داد که ، دقیقاً آیه بعدی به ما میگوید انجام دهیم.



شیرخوار بود، مریض شد و تب داشت. به همین دلیل نایبنا و ناشنوا شد. درست است، او نمی‌توانست ببیند یا بشنود. فکرش را بکن که چگونه خواهد بود؟ سیاهی کامل و سکوت مطلق. حتی راه رفتن در اتاق هم سخت خواهد بود!

با این حال، هلن یاد گرفت که با ایجاد اشاره با دستان خود و احساس علائم در دستان دیگران، ارتباط برقرار کند. اما هلن تنها زبان اشاره را یاد نگرفت، بلکه انگلیسی را نیز یاد گرفت. و نه فقط انگلیسی، بلکه فرانسوی و حتی آلمانی! بدون دیدن و یا شنیدن کلمات!!! میفهمی که چی؟ هلن در مورد عیسی نیز به تمام جهان شهادت داد. در مقایسه، برای بسیاری از ما آسان تر است، درست است؟ اگر بتوانیم ببینیم و بشنویم و صحبت کنیم، می‌توانیم به راحتی شهادت دهیم، درست مانند آه‌چان. حالا بیایید تمرین کنیم. این جمله را خلاص کنید:

عیسی عالیست زیرا

.....  
حالا این را به چند نفر دیگر (یا همه) در گروه خود بگویید.

خوب تواین هفته آماده هستی، یک یا چند نفر را پیدا کنی که عیسی را نمی‌شناسند و این را به آنها بگویی. عیسی مطمئناً وقتی این کار را بکنید لبخند خواهد زد.

این بود که چندتا دخترهای مقبول می‌رفتند. اما یکی از دخترها او قدر مقبول نبود. او بعضی ناتوانی‌های ذهنی و جسمی داشت. نام او آه‌چان بود. آه‌چان برای رسیدن به کلیسا باید راه زیادی را طی می‌کرد و ناتوانی جسمی او واقعاً سخت بود. سرانجام یک روز، معلم روزها یکشنبه از او پرسید: "آه‌چان، برایت سخت است که هر یکشنبه به کلیسا بروی. چرا این کار را میکنی؟" و آه‌چان به سادگی جواب داد: "چون که واقعا خدا را دوست دارم."

این کلمات بالا توشی تاثیر گذاشت و نتوانست آنها را فراموش کند. او واقعاً به طور جدی در مورد خدا فکر کرد و در نهایت عیسی را پذیرفت. توشی بزرگ شد و سالها بعد کشیش شد. و همه چیز فقط به این دلیل شروع شد که آه‌چان اظهار کرد که «واقعا خدا را دوست داشت».

با یک پنسل چقدر از یک خط را می‌توان کشید؟ یک پنسل می‌تواند برای ۳۴ مایل (۵۶ کیلومتر) خط بکشد! درست است، ما ممکن است فقط یک پنسل ببینیم، اما خدا ۳۴ مایل (۵۶ کیلومتر) را می‌بیند. شاید فکر کنیم چند کلمه معنی زیادی ندارد، اما خدا می‌بیند که جهان تغییر کرده است



آیا تا به حال نام هلن کِلر را شنیده اید؟ زمانی که او یک کودک

## تحقیق ۵ شریک ساختن بهترین ها



آیا تا حال بوی بد غذا را حس کردی؟ در سرتاسر جهان، انواع مختلفی از بوی غذا هاست.

از فیلیپین گرفته تا مالزی، همه درباره میوه دوریان می فهمند. دوریان را پادشاه میوه ها می گوید. با این حال، راستش را بخواهید، دوریان به نوعی بوی پیازی می دهد که در جوراب ورزشی کسی پوشیده شده باشد. خوش داری یا نداری. در اصل آنقدر بویناک است که در متروها سنگاپور ممنوع است. می خواهی کمی امتحان کنی؟

و ها پنیر، انواع پنیر بدبو، دلیل خوبی است که مردم می گویند: "چه کسی پنیر را بریده است (یعنی چی کسی گوزیده؟!)" شاید بویناک ترین پنیر ایبوآیسز باشد (به زبان فرانسوی ایبوآس می گویند). اگر در جایی بوی آن را حس کردید، تنها کاری که میتانی بکنی، اینست که نفس خود را بند کرده و فرار کنید. اما ناپلئون بزرگ خودش عاشق پنیر ایبو آیسز بود. آن را پادشاه پنیرنامید، و بله، در پاریس نیز در مترو و ریل ها ممنوع است. پادشاه میوه ها و پادشاه پنیر. اکثر مردم عاشق غذاهای

## حفظ آیه اشعیا ۱۲ ۴-۵

از خداوند سپاسگزار باشید و نام او را تجلیل کنید. کارهای او را برای مردم جهان اعلام نمایید و بگوئید که نام او متعال است. سرود حمد خداوند را بسرائید، زیرا کارهای باشکوهی انجام داده است. بگذارید تمام مردم روی زمین بدانند.

### کلید جوابات



- ۱ شخصی جواب بدهید.
- ۲ او فهمید که مسیح یکتا و یگانه را پیدا کرده .
- ۳ او با عجله به شهر خود برگشت.
- ۴ او گفت عیسی را دیده که قادرو تواناست. و او یگانه کسی بوده که آنها منتظرش بودند.
- ۵ به شهرآمد تا بفهمد که آیا او یکی است یا خیر.
- ۶ به ملت ها بگوئید که او چی کرده است.
- ۷ در اصل به تمام دنیا و همه.

شما را روشنی دنیا هستیید.



پنج نان جو و دو ماهی دارد، ولی آن برای این عده چه می شود؟»  
عیسی گفت: «مردم را بنشانید.» در آنجا سبزه بسیار بود، پس  
مردم که تقریباً پنج هزار مرد بودند نشستند. آنگاه عیسی نان ها را  
برداشته خدا را شکر کرد و در میان مردم، که بر روی زمین نشسته  
بودند تقسیم نمود. ماهی ها را نیز همینطور هر قدر خواستند  
تقسیم کرد.

وقتی همه سیر شدند، به شاگردان گفت: «توته های نان را جمع  
کنید تا چیزی تلف نشود.» پس شاگردان آن ها را جمع کردند و  
دوازده سبد از توته های باقیمانده آن پنج نان جو پُر نمودند.



ما حتی اسم این بچه را نمیفهمیم، پس بیایید او را بچه بیتو صدا  
کنیم. بیتودر جاپان به معنای "باکس نان چاشت" است.

۱ چند نفر گرسنه آنج بودند؟

۲ چه مقدار غذا برای شریک ساختن داشتند؟

۳ چند تا سبد باقی مانده بود؟

بدبوهستند! چه کسی می فهمد؟ روزی ممکن است عاشق دوریان یا  
ایپوآیسز شوید. فقط متوجه باش که آنها را در بکس نان چاشت خود  
ببرید! هیچ کس فراموش نخواهد کرد. شما می توانید مشهور شوید،  
به روشی واقعا بد!

حالا، شاید نان چاشت معروف در کل تاریخ، نان چاشتی بود که پسری  
برای عیسی آورده بود. احتمالاً بسیار بد هم نبود - به دلایل بسیار  
متفاوت مشهور بود - و آن نان چاشت پسر همه را متحیر ساخت!  
پس از تولد و رستاخیز عیسی این تنها معجزه ای که در هر چهار  
گاسپیل گزارش شده است. (گاسپیل چهار کتاب از کتاب مقدس است  
که در مورد آیات عیسی صحبت می کند) بیایید بخوانیم چه اتفاقی  
افتاده است

یوحینا ۶: ۱۳-۵



وقتی عیسی به چهار طرف دیده عده  
زیادی را دید که به طرف او می آیند،

از فیلیپس پرسید: «از کجا نان بخیریم تا اینها بخورند؟ عیسی این  
را از روی امتحان به او گفت زیرا خود او می دانست چه خواهد  
کرد. فیلیپس جواب داد: «دو صد سکه نقره نان هم کافی نیست  
که هر یک از آن ها کمی بخورد.» یکی از شاگردانش به نام اندریاس  
که برادر شمعون پطرس بود، به او گفت: «پسری در اینجا هست که

مرقس ۱۵:۱۶

پس به ایشان فرمود: «به تمام نقاط  
دنیا بروید و این مژده را به تمام  
مردم اعلام کنید.»



۸ خبر خوب چی است؟

خبر خوب عیسی است! عیسی ما را دوست دارد. به خاطر ما جان سپرد.  
عیسی ما را بخشید.

کتاب مقدس (بایبل) به ما دستور میدهد که خبر خوب را با همه در  
میان بگذاریم. واو، فقط فکر کنید وقتی این کار را کنیم چه اتفاقی می  
افتد! به ممکن ها فکر کنید!

آیا می دانید ۹۵٪ از دنیا زیر آب کشف نشده است؟ (به گنج های  
غرق شده در انتظار فکر کنید!) آیا می دانید که ۸۵٪ از گونه های  
زنده در جهان ما شناسایی نشده اند؟ درست است، تمام موجوداتی  
که حتی هنوزم ندیده ایم! حتی نام هم ندارند.

ریاضی اینجا کار نمی کند، نه؟ چرا؟ چون ریاضی خدا با ما کاملاً فرق  
دارد.

۴ چرا این معجزه شگفت انگیز رخ دهد؟

۵ فکر می کنید چرا بنتو نان چاشت خود را ترک کرد؟

۶ آیا ترک نان چاشت برای او آسان بود؟

۷ اگر نان چاشت اش را تقسیم نمی کرد چه اتفاقی می افتاد؟

بنآ بنتو با شریک ساختن نان چاشت خود به هزاران نفر برکت داد.  
عیسی از این بچه برای اشتراک، کار معجزه آوری استفاده کرد. کاری  
که تمام مردم جهان را برای هزاران سال به چالش کشید و خشنود  
ساخت. ما هم حالا این قصه را بخاطری می خوانیم که او با ما  
شریک ساخت. حتی با اینکه خورد که همان روز می خواست بخورد.  
بنابراین، چه چیزی برای به اشتراک گذاشتن دارید؟ عیسی از همه ما  
میخواهد چیزی را به اشتراک بگذاریم، و آن در آیه بعدی است.





هستند. آیا آن را دیده اید؟

۲ شامل شوید:

وقتی آن را می‌گیرند، بگویید: "در پایان چند سوال است که باید با هم به آنها جواب دهیم." وقتی خلاص شدند، پرسید: "چه فکری میکنی؟" و بعد بگویید: "در صفحه ۲۷ چند سوال است که می‌توانیم به آنها جواب بدهیم؟"

۳ دعوت کنید:

بعدا بگویید: "در صفحه ۲۸ یک دعا است، میخواهی دعا بخوانی؟" و بالاخره، اگر یک مهمانی گنج یابی را گرفتی و یک کتابچه یا رساله را ساختی از آن‌ها دعوت کن که بیایند.

فقط همین!!! تو تنها با معرفی کردن بهترین دوست (عیسی) به یک دوست دیگر آینده را برای همیشه تغییر خواهی داد

### قصه‌ی برای فکر

درچاپان از هرکس پرسید شاید بگویند که مردم نمی‌خواهند در مورد عیسی بشنوند. دوباره فکر کن، خانواده هوری یک خانواده معمولی و ناخوش در توکیو بودند. پدری که هفت روز در هفته بسیار سخت کار می‌کرد. مادری که تشویش زیاد چیزها را داشت. و سه پسر برای گرفتن نمرات خوب زیر فشار بودند. همه تلاش می‌کردند، اما برای تمام کردن این همه، آقای هوری با زنان دیگر شیشیت و برخاست

ما در دنیای شگفت‌انگیزی زندگی می‌کنیم، پر از امکانات. اما وقتی خدا را اطاعت می‌کنیم، چیزها جالب ممکن است اتفاق بیفتد. وقتی خدا را اطاعت کنیم، معجزه رخ میدهد! وقتی مک دونالد اولین رستوران خود را در کویت باز کرد، صف داخل شدن به آن هفت مایل بود! تعداد زیادی از مردم منتظر بودن تا برگرد بگردند. اما ما چیزی بسیار شگفت‌انگیزتر از همبرگر برای ارائه داریم! ما عیسی را داریم!

و به اشتراک گذاشتن او بسیار آسان است. یکی از راه‌های بسیار آسان اینست که رقابت گنج یابی مانگا جیبی را به اشتراک بگذارید. دوست شما از خواندنش خوشحال خواهد شد، و کی میفهمد، شاید آنها نیز آماده پذیرفتن عیسی باشند!



الف اگر هنوز این را نخواندید، چند دقیقه وقت بگذارید و مانگا جیبی رقابت گنج یابی را بخوانید یا اپلیکیشن گنج یابی را دانلود کنید.

ب حالا به اشتراک گذاری آن با کسی را تمرین می‌کنیم. جوره‌ی و به نوبت این کار را انجام دهید:

۱ معرفی:

بگو، "اطفال در سراسر جهان در حال خواندن این مانگا جیبی عالی

## کلید جوابات



داشت و نزدیک بود فامیلش از هم پاشد.

اما بعد اتفاقی افتاد که همه چیز تغییر کرد. چیزی کاملاً غیر معمول.

روزی مردی در منطقه در حال توزیع رساله‌ها انجیل بود و به تاکاشی هوری ۱۲ ساله یک رساله داد. تاکاشی آن را با برادر مکتبی خود، یوجی به اشتراک گذاشت. هر دوشان مسیح را پذیرفتند.

بعداً خبر خوب را با مادر پریشان خود در میان گذاشتند و اوعیسی را پذیرفت. و او شروع کرد به اشتراک گذاشتن مسیح، اینجا و آنجا، همه‌ای آنچه را که می‌دانست. و مردم جواب میدادند. یکی پس از دیگری، افراد زیادی مسیح را پذیرفتند.

هر سال افراد زیادتر به عیسی «بلی» می‌گویند. در ۵ سال، ۵۰ نفر از دوستانش را غسل تعمید دادند! سپس پدرتاکاشی نیز عیسی را یافت و خانواده شفا یافتند.

وقتی عیسی را به اشتراک می‌گذاریم، دنیای ما شروع به تغییر می‌کند

**حفظ آیه** مرقس ۱۶:۱۵

به تمام نقاط دنیا بروید و این مژده را به تمام مردم اعلام کنید.

۱ ۵۰۰۰ مرد، اما با اضافه کردن زنان و کودکان، به راحتی می‌تواند ۱۵۰۰۰ نفر باشد.

۲ نان چاشت یک طفل.

۳ دوازده!

۴ چون عیسی خداست. اما این نیز به این دلیل اتفاق افتاد که پسری تمام نان چاشت خود را با عیسی تقسیم کرد.

۵ او می‌خواست چیزی به عیسی بدهد؟ او می‌خواست کمک کند؟

۶ شاید بسیار آسان نیست. چند تا از شما بچه‌ها می‌خواهد که نان چاشت نخورد و گرسنه بمانند؟

۷ نمی‌فهمیم که آیا عیسی معجزه دیگری برای نان و غذا دادن به مردم

انجام می‌داد یا خیر، اما بچه‌بینتو فرصتی که

یکبار در تمام زندگی داشت از دست میداد. اگر

به تنهایی نان چاشت خود را می‌خورد، شاید

درحال انجام این کار کمی احساس گناه می‌کرد

که روز بعد همه چیزها خورده شده را تشناب

میکرد و خلاص میشد. 😞

دنیا در انتظار ماست.



## من کوچک و خدای بزرگ

خوب، در این مورد چکار می توانی بکنی؟ شاید احساس خوردی بکنی، اما در واقع این عالی است، زیرا خدا دوست دارد از افراد خورد برای کارهای بزرگ استفاده کند، بنابراین، بیایید روی خودمان تمرکز کنیم، بیایید چشمان را به خدای بزرگ خود بیندازیم. چقدر بزرگ!



میفهمید که حساب کردن تا یک میلیارد چقدر طول می کشد؟ ۳۴ سال طول می کشد. به این معناست که شمارش تمام کهکشان های که خداوند ساخته است ۳۴۰۰ سال طول می کشد! وهریک از آن کهکشان ها می تواند میلیاردها ستاره داشته باشد. واو خدای ما بسیار عالی است، به این معنی که ما می توانیم رویاهای بزرگ داشته باشیم!

## چالش خاص

آنچه عیسی در مرقس ۱۶:۱۵ گفته به یاد داری؟ خوب! گفت: به تمام نقاط دنیا بروید و این مژده را به تمام مردم شریک بسازید.

بنابراین، چقدر از جهان ما خبر خوش را دریافت کرده است؟ فرض کن دنیا را به سه بخش تقسیم کنید.

بخش اول جهان مسیحیت است.

بخش دوم جهان نیمه دست یافته است.

بخش سوم جهان دست نیافتنی است.

جایی که مردم کسی را ندارند که با آنها در میان بگذارند و هرگز خبر خوب را نشنیده اند.

عیسی می گوید برو، یک سوم از جهان در انتظار کسی است که بیاید.

## به دنیا برسید!

یک بار دیگر عیسی گفت: «به تمام جهان بروید، پس یا خودمان می رویم یا به کسی کمک می کنیم که به جای ما برود.»

چگونه به کسی کمک می کنید که برود؟ شما برای آنها دعا کنید و به آنها روزی بدهید. پیسه نداری؟ جمع آوری کمک مالی چطور؟

اما همچنین به یاد داشته باشید، می توانید در واقع از کف دست خود به تمام دنیا بروید با انستال کردن اپلیکیشن گنج یابی می توانید به مردم در سراسر جهان دسترسی پیدا کنید.

فضای اینترنتی کاملا باز است. شما ضرورت به پاسپورت، پول، یا پرواز طولانی ندارید.

یک اپلیکیشن را دانلود میکنی و دوستی را در آن کشور پیدا کنی که به عیسی مسیح نیاز دارد (شاید مجبور باشی یک زبان جدید را شروع کنی) و ببینی خدا چه می کنی

## از کجا شروع کنیم؟

بیا باید پیدا کنیم که چه جا های در جهان بیشتر به شنیدن اخبار خوب نیاز دارند. اینجاست که رقابت شما شروع می شود. جستجو را شروع کنید! برسید چه جا های در جهان بیشتر به عیسی نیاز دارند... از رهبر جسور خود، یا کشیش، یا پدر مادر یا یک مبلغ مذهبی برسید. جواب های که به شما می دهند را در زیر بنویسید:

یادداشت





## روبا با خدا

خدا برای شما بسیار رویاها و جایگاه خاصی در نظر دارد. حالا وقتش است که به او بگوی که آماده هستی. از او حکمت بخواه. به قادر بودنش باور داشته باش. جواب خدا پیش بینی کن. این هم یک مثال از دعا. حتما از صمیم قلب دعا کن...

«پدر، تو خوب و عالی هستی.

تشکر میکنم که مرا ساخته‌ای.

تشکر میکنم که مرا نجات داده‌ای و متشکرم که مرا پر کردی، تا بتوانم برکتی برای دیگران، حتی برای کسانی که در آن سوی دنیا هستند باشم.

برایم نشان بقی که چه کنم. افکار رویاهایت را در قلبم بگذار،

تو گفتی "برو" من سوال میکنم کجا می خواهی بروم، چگونه می خواهی به کسانی که در این راه می روند کمک کنم.

می خواهم بخشی از ختم کار بزرگ رسیدن به این دنیا باشم - به طوری که همه از عیسی، و صلیب او و عشق او شنیده باشند.

من خدای تو هستم، می خواهم رویای تو را

بینم، می خواهم رویای تو را زندگی کنم.

به نام عیسی!

آمین



## حالا چی؟

یک دقیقه وقت بگذارید و به پنج تحقیق آخر نگاه کنید. واو! یک بار دیگر چیزهای شگفت انگیزی بودند!

بنابراین، خدا از شما چه کارهایی می خواهد؟ دیگران را تشویق کن، شجاعانه بجنگ، با جسارت شهادت بقی. به شکل وسیع به اشتراک بگذار.

خدا زندگی شما را پر کرده و حالا زمان آنست که برای پر کردن زندگی دیگران از او استفاده کنید. ما کمک می کنیم تا فیض و خوبی او را در همه جا بیاریم!

دنیای شما در حال تغییر است. این یک ماجراجویی بزرگ است! شکار ادامه دارد. وقتی ما از عیسی پیروی می کنیم، گنج پشت گنج وجود دارد و تا ابد ادامه خواهد داشت. بنابراین، به عیسی نزدیک بمانید و هرگز فراموش نکنید که شما در جستجو گنج هستید، و ثروتی دارید که می توانید برای یک عمر به اشتراک بگذارید. به دنبال آن برو!

## سلام، رهبر!

شما یک نشان ساخته اید، نشان فراتر از هر احتمالی درابدیت!

فرض کن روزی تمام زندگی‌ها توسط یک جوان که گنج یابی را شروع کرده، لمس شده باشد.

گنج‌های قیمتی لبریز در زندگی که برای همیشه توسط خدا تغییر کرده، پس متوقف نشو.

به کتاب گنج یابی ادامه بده. گنج یابی فقط برای یک بار نیست.

اطفال و جوانان بیشتری پیدا کنید و کتاب ۱ را دوباره بخوانید.

مطمئن باشید که هر زندگی جدید در عیسی قوی و بسیج است، بله، بسیج، بسیج، بسیج شده است!

و این یک چیز حتمی است که برای همیشه از انجام دادنش خوشحال خواهید شد.

از وب سایت ما دیدن نموده و با ما در تماس باشید. و ما را در

جریان بگذارید که چگونه خدا، دنیای شما را تغییر می دهد.

[www.treasurehuntproject.com](http://www.treasurehuntproject.com)



9784908711190



1928016005002

ISBN978-4-908711-19-0  
C8016 ¥500E

Price: US \$5.00  
Publisher: NewDayToDay

Author: Dr. Andy Meeko  
Art: Mugi Aoyama

Design: New Life Ministries

Translation: Sahar Joya  
سحر جویا



Nu  
TuDay

**Treasure Hunt Project**

[www.treasurehuntproject.com](http://www.treasurehuntproject.com)

Copyright©2021 NewDayToDay